

دانش‌آموزان از بازگشت به مدرسه می‌نویسند

خاطرات کلاس‌های يك نفره

گروه اجتماعي

بعدها، خیلی سال بعد (اگر عمري براي زمين باقي مانده باشد) همین بچه‌ها و نوجوانانی که امروز دعوا بر سر آنهاست، می‌نشینند و برای جوان‌ترها می‌گویند که «آن سال‌های کرونا» چگونه گذشت. همین بچه‌ها، همین نوجوان‌هایی که بعضی‌شان یکی، دو سال آخر دوران دانش‌آموزی را دور از کلاس درس تمام می‌کنند، یا یکی، دو سال اول ورود به مدرسه‌شان را در واقع در خانه و روی مبل و فرش پذیرایی یا تختخواب و اتاق‌هایشان گذراندند، يك روز خاطرات این روزها را برای بچه‌ها و نوجوان‌های نسل‌های بعد می‌گویند. امروز اما سهم‌شان از تمام این تصمیم‌گیری‌ها و معادلات بازگشایی مدارس نزدیک به هیچ بوده است. در دو سال گذشته رسانه‌ها، مسوولان وزارت بهداشت و وزارت آموزش و پرورش، انجمن‌های اولیا و مربیان، خبرنگاران و رسانه‌ها، انجمن‌های صنفی معلمان، دولت، مجلس، ستاد مقابله با کرونا و صد و يك نهاد ریز و درشت دیگر مشغول بحث و بررسی بوده‌اند که آن مدرسه‌هایی که آخر بهمن ماه سال 1398 بسته شدند چطور و چگونه باید به فعالیت روزمره‌شان برگردند. در تمام این دو سال، میلیون‌ها دانش‌آموز اغلب بازیگران خاموش این میدان بحث و بررسی بوده‌اند و منتظر برای اینکه ببینند بین خانه و مدرسه چه تصمیمی برای آنها گرفته می‌شود. تنها چند باری در این دو سال پیش آمد که صدای این بخش از معادله «بازگشت به مدرسه یا ماندن در خانه» بلند شود: پیش از کنکور و پیش از امتحانات نهایی پایه‌های نهم و دوازدهم که بخشی از این دانش‌آموزان نگران در فضای حقیقی و مجازی دست به اعتراض زدند که چطور می‌خواهید ما را در اوج موج‌های کرونا در سالن‌های سربسته کنار هم بنشانید که تست بزنیم؟ حالا دیگر خطر کرونا هم که باقی مانده باشد، يك چیز مسلم است: ایران تبدیل به یکی از کشورهای بالاترین میزان تعطیلی فیزیکی مدارس شده است. تاخیر در آغاز روند واکسیناسیون، وضعیت فیزیکی و ازدحام کلاس‌های درس، نبودن تهویه مناسب و لوازم بهداشتی در بسیاری از مدارس (به خصوص مدارس دولتی

پرجمعیّت یا مدارس دور از مرکز و دور از امکانات مناسب برای امنیت بهداشتی و فیزیکی دانش‌آموزان) البته راهی جز این نمی‌گذاشت که بخش بزرگی از این جمعیت 15 میلیون نفر دانش‌آموزی در خانه‌ها بمانند و به مدد گوشی‌ها و تبلت‌ها به کلاس‌های درس مجازی وصل شوند. هرچند علیرضا کاظمی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش روز پنجشنبه در حاشیه آیین افتتاح بزرگ‌ترین کتابخانه دانش‌آموزی خیرساز کشور در مشهد گفت: «مدارس دیگر کشورهای جهان بدون گره زدن بازگشایی به واکسیناسیون آغاز به کار کردند اما در کشور ما همه چیز کاملاً آماده بازگشایی است، زیرا آسیبی که فرزندان به دلیل عدم حضور در فضای آموزش و پرورش و از ناحیه افت کیفیت آموزشی و تربیتی دیده‌اند، خساراتی غیرقابل برآورد و غیرقابل جبران به بار آورده است. افت تحصیلی پنهان نیز خود را در نمرات مستمر دانش‌آموزان نشان می‌دهد به این شکل که کاملاً مشخص می‌شود برعکس نمرات امتحانات نهایی، سیر صعودی بی‌نظیری داشته است که نشان از صعود کاذب دارد و این افت با بازگشایی و آغاز فرآیند فعالیت حضوری مدارس مشخص می‌شود.» در این دو سال بسیاری از دانش‌آموزانی که سرپرست آموزش و پرورش (مثل صدها مسوول دولتی و مجلسی دیگر) نگرانی‌اش را بابت افت تحصیلی و آسیب‌های وارده به آنها ابراز می‌کند، کلاس‌های درس را در صدای ضبط شده معلم پیدا می‌کردند و فایل‌هایی که دست به دست می‌چرخیدند و روزهایی که بسته به میزان سرعت اینترنت به آنها امکان شنیدن و پرسیدن می‌دادند. یکی از همین میلیون‌ها نفر در یکی از یادداشت‌هایی که در این صفحه می‌خوانید، توصیف روزهایش را نوشته است: «ناچار در خانه، مدرسه‌ای ساختم که ظرفیت آن یک نفر است و فقط صدای هم را می‌شنویم. مدرسه‌ای که از حیاط آن صدایی نمی‌آید. حیاطی بی‌شور و ذوق. مدرسه‌ای داریم غرق در سکوت و آرامش.» این صفحه از روزنامه اعتماد در اختیار دانش‌آموزان متوسطه بوده است. نوجوانانی که می‌توانستند با تکیه بر خاطراتی که از مدارس قبل از کرونا داشتند، از روزهای پس از کرونا بگویند و از همین ماه آبان که قرار شده است به کلاس‌های درس و مدرسه برگردند. پس از دو سال دارند به مدرسه برمی‌گردند و شاید نوبت خود آنها باشد که بگویند چه گذشته و حالا بازگشت به مدرسه چه حالی دارد.

انتظار برای همان امیدهای کوچک

ديانا ارسنجاني

صدای خشخش برگ‌های پاییزی، پسزمینه آواز زیر لبم میشوند و بعد از يك سال و اندي در خانه ماندن و از پشت وسایل بي‌مهري همچون تلفن همراه و رایانه درس خواندن بالاخره با انرژی و نشاط راهی مدرسه می‌شوم.

وارد حیاط مدرسه که می‌شوم صدای هیاهوی بچه‌ها در زنگ تفریح در گوشم می‌پیچد و لبخندی در گوشه لبم جا خوش می‌کند. دوست دارم هرچه زودتر خودم را به کلاس‌های درس‌مان برسانم تا بینم میز و نیمکت و تخته کلاس چه حرفی برای گفتن دارند؟ آیا آنها هم دلتنگ ما دانش‌آموزان هستند؟ من تمام روزها را به امید نشستن دوباره روی نیمکت‌های قهوه‌ای‌رنگ کلاس سپری کردم. تمام این روزها به امید شنیدن صدای زنگ تفریح و صحبت کردن با دوستانم سپری شد. پس همین چیزهای کوچک هستند که ما را برای حضور گرم در مدرسه همراهی می‌کنند.

□□□□□ □□□□ □□□□□□ □□□□ □□□□□□□□

بازگشایی مدارس: ساده و پیچیده

ایلیا محمودی

عبارت بازگشایی مدارس برخلاف اینکه تلفظ ساده و تعریف آشکاري دارد یکی از مهم‌ترین و شاید هم مهم‌ترین تصمیم اجتماعی است و بسیاری از خانواده‌هایی که دانش‌آموز محصل دارند را مشغول خود کرده و موجب واکنش‌های بسیاری در فضای مجازی و سایر فضاهای ارتباطی و رسانه‌ای شده است. اگر فرض کلی را بر بازگشایی قطعی مدارس بگذاریم باید راهکارهایی را در مورد سازگاری با این بازگشایی احتمالی ارائه دهیم تا پس از آن دچار ضعف تحصیلی در دانش‌آموزان و بحران‌هایی از این قبیل نشویم. برای ارائه این راهکارها و تدابیر مهم اولین و مهم‌ترین رکنی که باید به آن توجه داشته باشیم در نظر گرفتن شرایط آموزش و پرورش هر استان و شاید هم در نظر گرفتن شرایط هر مدرسه به صورت انفرادی است، زیرا نگاه به وضعیت هر استان نگاهی کلی‌نگری است لیکن به دلیل اهمیت مساله جزئی‌نگری در اموری که در رابطه با سرنوشت مادی و معنوی يك شخص یا جامعه از جمله جامعه دانش‌آموزی وجود دارد، نگاهی ذره‌بینی نیاز داریم. برای داشتن نگاهی ذره‌بینی و دقیق لازم است مدارس هر منطقه از هر شهر را به صورت انفرادی زیر ذره‌بین ببریم که این مورد بدون مساعدت و همکاری دبیران، معاونان،

مشاوران و در نهایت مدیران مدارس امکان‌پذیر نیست. بنابراین بهتر است امر مهم فراهم کردن پروتکل‌های بهداشتی و فرهنگسازی را به عهده کادر هر مدرسه قرار دهیم و صد البته در این امر فقط نظاره‌گر نباشیم و مردم و دولت نیز به کمک مدارس بیایند و از هر کمکی دریغ نکنند. به عنوان مثال آموزش و پرورش می‌تواند برای امر فرهنگسازی در هر مدرسه افرادی زبده در حوزه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی را مامور کرده و به آنها مسوولیت مهم فرهنگسازی در زمینه‌های بهداشتی و دوری از تنبلی پس از مدت‌ها تعطیلی محول کند. از سوی دیگر اولیای دانش‌آموزان نیز می‌توانند در راستای پیشبرد اهداف از پیش تعیین شده آموزشی از تخصص‌هایشان در همین حوزه‌ها و تربیت انفرادی فرزندان‌شان برای فضای حضوری با وجود کرونا استفاده کنند تا دانش‌آموزان با آگاهی کامل در حوزه‌های بهداشتی و مراقبتی و غیره با وجود کرونا در کلاس‌های درس حاضر شوند و با آن ارتباطی نزدیک برقرار کنند که خود از عوامل سازگاری است. اما آخرین نکته برای بازگشایی مدارس و سازگاری با آن دادن اختیارات به مدیران مدارس در حوزه اعمال تعطیلی‌های موقتی با توجه به شرایط بهداشتی هر منطقه یا شهر و روستاست تا هر مدیر بتواند با توجه به قابلیت‌های مدرسه تحت مدیریتش فضای مناسبی را برای آموزش به وجود آورد به عنوان مثال برخی مدارس مانند دبیرستان‌های فرهنگ و دبیرستان ماندگار البرز و حتی دبیرستان‌های کوچکی مانند شهید عباس آندی شرایط برگزاری کلاس‌های حضوری را دارند اما برخی دبیرستان‌های مناطق محروم نیاز به کمک‌های بیشتر مادی و معنوی از سوی وزارت محترم آموزش و پرورش دارند تا شرایط حضوری شدن و سازگاری با این امر در مدارس فراهم شود. بنابراین بهتر است پس از حضوری شدن مدارس به تدابیر مدیران این مدارس اعتماد کرد و به آنها اختیاراتی در حوزه‌های تعطیلی‌های موقت محول کرد تا هیچ یک از دبیران، دانش‌آموزان و کادر مدرسه به کرونا مبتلا نشوند و این موارد پس از اجرایی شدن خود می‌توانند امیدی برای دانش‌آموزان در مورد اینکه مدرسه و کل جامعه به فکر آنها هستند و در صورت به خطر افتادن جان آنها مدارس تعطیل خواهند شد، مبدل شوند و همچنین گرفتن نظر آنها توسط کادر مدارس می‌تواند به زمینه‌هایی برای سازگاری آنان با فضای حضوری تبدیل شود.

عیب می جمله چو گفתי هنرش نیز بگو !

محمدرضا صادقی‌نیا

اگر از تنبلی کردن و از زیر بار کلاس در رفتن دانش‌آموزها، در این ایام، به خاطر کرونا بگذریم، این غیر حضوری شدن مدارس یکسری مزیت‌هایی هم برای دانش‌آموزها داشت که نگفتن آن نامردی در حق مطلب است. مهم‌ترین ویژگی این غیر حضوری شدن مدارس از نظر بنده چند شاخه‌ای شدن منابع آموزشی است، یعنی دانش‌آموزی که قبلاً تنها منبع آموزشی‌اش معلم و کمک آموزشی بود شاید در این ایام به چندین سایت و جزوه و ویدیو آموزشی صعود کرده باشد و البته وضعیت کنونی باعث استقلال خود دانش‌آموز هم شده یعنی خودش باید به فکر خودش باشد و دیگر معلمی و مشاوره و همکلاسی نیست که به دادش برسد. دومین مطلب، صرفه‌جویی در وقت و هزینه و رفت و آمد است که برای من این صرفه‌جویی‌ها، کیفیت بد آموزشی را شیرین کرده است و قابل تحمل، در واقع زشتی‌هایش را پوشانده. سومین مزیت، فرصتی است که کرونا به کودکان کار و نوجوانانی داده که مدت‌ها دنبال زمانی بودند که فارغ از درس به کار مورد علاقه خود بپردازند یا کسب درآمد کنند؛ بسیاری از دوستان نزدیک بنده از فرط اشتغال و کسب درآمد کارشان به ترک تحصیل کشید که شاید هم به نفعشان باشد. چهارمین نکته مطلب این است که کرونا فاحش‌تر و آشکارتر از همیشه دوباره ناعدالتی آموزشی را به همه مسوولان و مردم تذکر داد؛ وقتی آمار میرسد که 25 درصد دانش‌آموزان به خاطر نداشتن موبایل مجبور به ترک تحصیل شده‌اند، انگار کرونا زبان باز کرده و جوك «آموزش برابر برای همه» را به سخره گرفته و 85 میلیون ایرانی را به خنده آورده. هر روز خبری میشنویم که کودکی به دلایل مالی و خانوادگی مجبور به ترک تحصیل شده که حقیقتاً از شنیدنش قلب آدم تیر می‌کشد. پنجمین نکته اینکه کرونا آموزش و پرورش را مجبور کرد که تا حدودی به تولید محتوا در قالب‌های به‌روز دنیا پا بدهد و از آن قالب قدیمی و مکتب‌وار خارج شود، هر چند محتوا همچنان قدیمی و مهجور است اما همان که قالب تجدید و نو شود، قدمی رو به جلوست. (باشد که بیشتر تلنگر بخورد) و حسن ختامم خطاب به مدارس این است که بعد از باز شدنشان شیوه‌های تادیبی و خشک را به کار نگیرند که دوباره دانش‌آموز را پس بزنند، چراکه نسل جدید، نسل دهه 60 و 70 نیست و باشد که کمی فکر کند.

مدرسه‌های يك نفره

ركسانا محمدي

روزها گذشتند و دل‌مان تنگ ماند براي با هم بودن. براي اينكه وجود هم را کنار يكدیگر احساس كنيم اما يك حس واقعي. . .
 اين دلتنگي و اين روزها براي‌مان عادت شده است. عادتي كه شايد خيلي از ما اصلا آن را دوست نداشته باشيم. اما ناچار در خانه، مدرسه‌اي ساختيم كه ظرفيت آن يك نفر است و فقط صداي هم را ميشنويم. مدرسه‌اي كه از حياط آن صدايي نمي‌آيد. حياطي بي‌شور و ذوق. مدرسه‌اي داريم غرق در سكوت و آرامش.

ديگر اين سكوت براي ما تكراري شده است. البته بعد از اين شنيدن آن همه هممه و شلوغي سخت است. شايد ديگر سخت شده بود کنار هم بنشينيم و به كلاس درس گوش دهيم. حتي وقتي به روز بازگشت فكر مي‌كنيم سراسر وجودمان را اضطراب و استرسي همراه با هيجان فرا گيرد. يك حسي توصيفناپذير!

اما تك‌تك ما بايد دوباره به همان چيزي كه داشتيم و آن را صميمانه دوست مي‌داريم، عادت كنيم. بايد وظيفه‌اي كه داريم را به ياد بياوريم. بايد از اعماق وجودمان بخواهيم كه دوباره در حياط مدرسه و كلاس درس حضور داشته باشيم. خواستي قلبي آميخته با تلاش و كوشش. حضوري گرم و صميمي. زمان مي‌برد اما يقين دارم حس همدلي و يكي شدن براي همه ما خوشايند خواهد بود. اين سازگاري يك انتخاب نيست. وظيفه است اما وظيفه‌اي كه همواره براي‌مان مفيد و روحيه‌بخش است. مي‌توانيم يادگيري، پيشرفت و مشكلات راه و مسير درست زيستن را کنار هم تجربه كنيم. تجربه‌اي واقعي در حالي كه نگاه‌هاي‌مان به يكدیگر است.

بيايد نترسيم از همبستگي. بيايد دست در دست هم تلاش كنيم و به روزهايي بازگرديم كه متعلق به ماست. بيايد در حضور هم بهتر بيايم و به‌ترين شكل موفقيت را بسازيم. زمان بيرون آمدن از تنه‌اي اجباري رسیده و درهاي خانه دوم ما به روي‌مان گشوده شده است تا با عشق به سمت آن برويم. ديگر وقت آن است كه عادت‌هاي دوساله را کنار بگذاريم و باري ديگر از مدرسه چيزي بيايم. درس اين روزها سازگاري است...



شماره: 1400 23 1400 : شماره